

پژوهش‌های زبانی، سال ۱۰، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۹



10.22059/jis.2020.286493.708

Print ISSN: 2288-1026-Online ISSN: 3362-2676

<https://jolr.ut.ac.ir>

## The Study of Derived Words Ending in '-ār' Suffix from the Viewpoint of Construction Morphology

Sahar Bahrami-Khorshid<sup>1</sup>

Assistant Professor of Linguistics, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University

Saeideh Ghandi

Ph.D Candidate of Linguistics, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University.

Received: December, 13, 2019 & Accepted: March, 7, 2020

### Abstract

All languages in the world use different mechanisms to create new words. Derivation and compounding are two morphological processes whose main function is the formation of new word-forms. In Persian, derivation is one of the dynamic and widely used processes of word formation. In the realm of derivation, Persian language has many prefixes and suffixes that can be attached to existing words in order to create new words. One of these suffixes is "-ār" which is considered as one of the semi-productive suffixes of Persian language; however, the observations reveal that it has become a productive suffix in today's Persian. The main purpose of this research is to study the derivational construction [x-ār] in Persian within the framework of Construction Morphology (CM). It makes use of the notion of 'construction', which is defined as a pairing of form and meaning, to describe the properties of complex words. Therefore, on the basis of a construction-based approach and regarding a descriptive-analytic method, the authors try to represent the systematically semantic varieties of "-ār", possible schemas and subschemas and also the hierarchical structures, based on which, [x-ār] construction has been achieved. The data analyzed in this study has been gathered from three sources: Reverse Dictionary (Zansu) (Keshani, 1993), Persian Linguistic Database (PLDB) and FarsNet. Then, the extracted words have been examined in Farhang-e Bozorg-e Sokhan (Anvari, 2002) and obsolete items have been excluded. The findings of the research show that "-ār" has seven different meanings (functions) and thus we can consider it as a polysemous suffix. Its polysemy is not explainable at the level of words, but at the level of abstract schemas; hence, it is called "constructional polysemy". The results of this study indicate that "*entity with relation R to SEM*" is the prototypical meaning of [x-ār] which is the most abstract correlation among meaning and form in Persian language.

**Keywords:** Suffix "-ār", Affixation, Construction Morphology, Constructional Polysemy, Constructional Schema.

---

1. Email of the corresponding author: sahbahrami@modares.ac.ir

## بررسی واژه‌های مشتق مختوم به پسوند «ار» در زبان فارسی از منظر صرف ساخت

سحر بهرامی خورشید<sup>۱</sup>

استادیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

سعیده قندی

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۰/۲۷؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۹/۱۲

### چکیده

همهٔ زبان‌های جهان برای تولید واژه‌های جدید از شیوه‌های گوناگونی استفاده می‌کنند. اشتقاق در کنار ترکیب دو فرایند مهم صرفی هستند که نقش اصلی هر دو ساخت صورت‌واژه‌های جدید است. در زبان فارسی اشتقاق یکی از فرایندهای پویا و پرکاربرد واژه‌سازی است و از جمله مقولاتی است که از دیرباز مورد مطالعه بسیاری از زبان‌شناسان ایرانی و غیرایرانی قرار گرفته است. در قلمروی اشتقاق، زبان فارسی دارای پیش‌وندها و پسوندهای بسیاری است که با افزوده شدن به واژه‌های موجود زبان می‌توانند واژه‌های نو بسازند. یکی از این پسوندها، پسوند «ار» است که از جمله وندهای نیمه‌زایای زبان فارسی محسوب می‌شود؛ اگر چه مشاهدات حاکی از آن است که در زمان حاضر مجدداً جزء وندهای زایای فارسی شده است. هدف از پژوهش حاضر بررسی ساخت اشتقاقی [X-ار] در زبان فارسی از منظر انگاره صرف ساخت است. صرف ساخت با بهره جستن از مفهوم ساخت (به‌عنوان جفت صورت و معنا) به توصیف واژه‌های غیرساده می‌پردازد. این پژوهش تنوعات معنایی نظام‌مند، طرح‌واره‌های ممکن ناظر بر عملکرد ساخت [X-ار]، زیرطرح‌واره‌های آن و نیز ساختار سلسله‌مراتبی این ساخت را در واژگان گویشوران زبان فارسی بررسی می‌کند. داده‌های مورد بررسی در این پژوهش از سه منبع فرهنگ زانسو (کشانی، ۱۳۷۲)، پایگاه داده‌های زبان فارسی (PLDB) و شبکهٔ هستان‌شناسی فارس‌نت گردآوری شده‌اند. سپس، واژه‌های مستخرج در فرهنگ بزرگ سخن (انوری، ۱۳۸۱) مورد بررسی قرار گرفته و مواردی که با برجسب منسوخ مشخص شده بودند، کنار گذاشته شدند. این پژوهش، پژوهشی ساخت‌بنیان است که می‌کوشد به روش توصیفی-تحلیلی الگوهای واژه‌سازی را بر پایهٔ مفهوم «ساخت» و «طرح‌واره‌های ساختی» تبیین نماید. یافته‌های پژوهش گویای آن است که پسوند «ار» در فارسی امروز دارای هفت معنا (کارکرد) گوناگون است و وندهای چندمعنا محسوب می‌شود. این چندمعنایی، نه در سطح واژه‌های عینی بلکه در سطح طرح‌واره‌های انتزاعی قابل تبیین است و از این رو آن را چندمعنایی ساختی می‌نامند. نتایج نشان می‌دهد که «هستار مرتبط با مفهوم X» معنای سرنمون ساخت [X-ار] است که به عنوان انتزاعی‌ترین همبستگی صورت و معنای ناظر بر عملکرد این داده‌ها تلقی می‌شود.

**واژه‌های کلیدی:** پسوند «ار»، وندافزایی، صرف ساخت، چندمعنایی ساختی، طرح‌وارهٔ ساختی.

## ۱- مقدمه

صرف<sup>۱</sup> شامل درک نظام‌مندی<sup>۲</sup> بین صورت و معنای واژه‌ها و مطالعه ساخت درونی آنها است که با صورت‌های عناصر واژگانی<sup>۳</sup> (تصریف<sup>۴</sup>) و روش‌هایی که تکواژها ساخته می‌شوند (ساخت‌واژه<sup>۵</sup>) مرتبط است.

واژه‌سازی به طور سنتی شامل دو فرایند اشتقاق<sup>۶</sup> و ترکیب<sup>۷</sup> است. درحالی‌که ترکیب شامل آمیختگی دو یا چند تکواژ آزاد است و به پیدایش صورت‌واژه‌های گوناگون از یک واژه می‌انجامد، نقش اصلی اشتقاق ساخت تکواژهای جدید است (بوی، ۲۰۰۷: ۲۴). این دو فرایند که در بسیاری از زبان‌ها یافت می‌شوند، در زبان فارسی نیز جزء فرایندهای بسیار رایج واژه‌سازی هستند. در قلمرو اشتقاق، زبان فارسی دارای پیش‌وندها و پسوندهایی است که با افزودن به واژه‌های موجود زبان می‌توانند واژه‌های نو بسازند. در پژوهش حاضر به بررسی وند اشتقاقی «ار» می‌پردازیم. این وند در شمار وندهای نیمه‌زبانی زبان فارسی است (فرشیدورد، ۱۳۸۴: ۱۸۴) اما به نظر می‌رسد در زمان حاضر مجدداً جزء وندهایی است که در ساخت واژه‌های جدیدی به کار می‌رود.

داده‌های مورد بررسی در این پژوهش از سه منبع فرهنگ *زانسو* (کشانی، ۱۳۷۲)، پایگاه داده‌های زبان فارسی (PLDB) و فارس‌نت<sup>(۱)</sup> است. تمام واژه‌های مشتق مختوم به پسوند «ار» از این سه منبع استخراج شده‌اند، سپس واژه‌های مستخرج در فرهنگ بزرگ سخن (انوری، ۱۳۸۱) مورد بررسی قرار گرفته‌اند و مواردی که با برجسب منسوخ مشخص شده بودند، کنار گذاشته شدند.<sup>(۲)</sup> مسئله‌ای که پس از بررسی واژه‌های ساخت اشتقاقی [ar-x] مشاهده می‌شود، وجود تنوعات معنایی است. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که آیا تنوعات در این واژه‌ها نظام‌مند است یا حاصل تصادف؟ آیا می‌توان تنوعات را از هگذر برخی سازوکارهای شناختی تبیین کرد؟

مقاله حاضر دارای پنج بخش است. در بخش دوم مروری بر پیشینه پژوهش خواهیم داشت. بخش سوم به معرفی چارچوب نظری پژوهش اختصاص دارد. در بخش چهارم به

1. morphology
2. systematicity
3. lexeme
4. inflection
5. word-formation
6. derivation
7. compounding
8. word-form

ارائه و تحلیل داده‌ها خواهیم پرداخت. نتیجه‌گیری پژوهش حاضر در بخش پنجم خواهد آمد.

## ۲- پیشینه پژوهش

مطالعات انجام‌شده پیرامون واژه‌های مشتق مختوم به پسوند «-ار» را می‌توان در دو دسته کلی تقسیم کرد: دسته اول متعلق به پژوهشگرانی همچون (خانلری، ۱۳۸۶: ۱۴۶)، (وحیدیان کامیار و عمرانی، ۱۳۸۶: ۹۴-۹۳)، (خیام‌پور، ۱۳۸۶: ۳۵)، (انوری و گیوی ۱۳۷۸: ۲۸۱-۲۸۲)، کلباسی (۱۳۷۱: ۱۰۰)، (کشانی، ۱۳۷۲: ۴۷) سلطانی‌گردفرامرزی (۱۳۸۱: ۵۵)، خطیب‌رهبر (۱۳۸۱: ۵۲)، فرشیدورد (همان) است که عمدتاً دستورنویسان سنتی نامیده می‌شوند. این مطالعات واژه‌های مختوم به پسوند «-ار» را به سه دسته فاعلی، مفعولی و مصدری تقسیم کرده و صرفاً به توصیف چگونگی شکل‌گیری ساختاری این واژه‌ها پرداخته‌اند و توجیهی برای نحوه شکل‌گیری معانی آنها ارائه نداده‌اند. شایان ذکر است که هیچ وحدتی در میان این تقسیم‌بندی‌ها دیده نمی‌شود و گاهی یک واژه در سه دسته جای گرفته است.

دسته دوم زبان‌شناسان و پژوهشگرانی هستند که با توجه به چارچوب‌ها و رویکردهای نظری مختلف به بررسی این واژه‌ها پرداخته‌اند. مرادی و کریمی‌دوستان در پژوهشی دلیل عملکرد متفاوت پسوندهای «-نده» و «-ار» در واژه‌سازی، چندمعنایی بودن و به طور کلی منشأ تفاوت‌ها و تشابهات آنها را در چارچوب نظریه نمود معنایی لیبر<sup>۱</sup> بررسی کرده‌اند. با استفاده از این دیدگاه نشان داده می‌شود که نقش این وندها نقش‌های معنایی کنشگری و کنش‌پذیری یا نقش‌های نحوی فاعلی و مفعولی نیست، بلکه این وندها هم مانند سایر عناصر واژی، مشخصه‌هایی معنایی به پایه‌ها اضافه می‌کنند و دلیل چندمعنایی بودن وندها ناشی از عملکرد متفاوت اصل هم‌نمایی است نه نقش معنایی آنها (مرادی، ۱۳۹۰: ۱).

رفیعی (۱۳۹۱: ۱۹) به بررسی مفهوم عامل در واژه‌های مشتق از پسوندهای «-گر»، «-نده»، «-بان»، «-چی»، «-گار» و «-ار» می‌پردازد. وی نشان می‌دهد که برخلاف رویکرد متکی بر ساخت موضوعی، ساخت موضوعی و ملاحظات معنایی و ساخت موضوعی و محتوای معنایی وند، مفهوم عامل را نمی‌توان برگرفته از نقش تتای موضوع بیرونی پایه دانست. با در نظر گرفتن این مطلب، دو منشأ احتمالی دیگر برای این مفهوم

1. Lieber, R.

در واژه‌های مشتق معرفی می‌گردد: معنی وند مستقل از ساخت موضوعی پایه و ساخت صرفی واژه‌های مشتق مورد بررسی است. درنهایت با ارائه شواهدی از فرآیندهای اشتقاق و ترکیب در زبان فارسی، معنی خود وند به عنوان منشأ مفهوم عامل در این گروه از واژه‌ها معرفی می‌کند.

بامشادی و انصاریان (۱۳۹۵) بنیادها و سازوکارهای نظری رویکرد ساخت‌بنیاد به آموزش واژه‌های مشتق و مرکب زبان فارسی را معرفی و بررسی کرده و به واکاوی دستاوردها و سودمندی‌های اتخاذ این رویکرد در آموزش این واژه‌ها برای فارسی‌آموزان پرداخته‌اند. آنها دریافته‌اند که به کارگیری نظریه صرف ساخت در آموزش واژه‌های مشتق و مرکب فارسی می‌تواند موجب آسان‌سازی، شتاب‌بخشی و افزایش کارایی آموزش این واژه‌ها گردد.

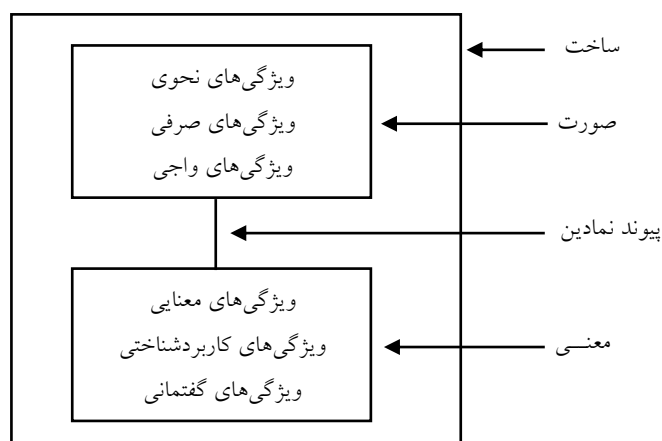
شایان ذکر است در مورد پسوند «ار»، ابوالقاسمی (۱۳۸۹: ۶۷) و صادقی (۱۳۸۰: ۵) اشاره کرده‌اند که اصل این پسوند -tar بوده و در زبان پهلوی و فارسی ar - است که به بن ماضی و گاه بن مضارع افعال ملحق می‌شود. ابوالقاسمی به دو مثال «نمودار» از فارسی میانه و «دیدار» از میانه زردشتی و صادقی به دو مثال «پرستار» و «فروشار» برای الحاق به ستاک حال، اشاره کرده‌اند. با این وصف مشخص می‌شود تا کنون تنوع معنایی پسوند «ار» در زبان فارسی در چارچوب صرف ساخت تحلیل نشده است.

### ۳- چارچوب نظری پژوهش: صرف ساخت

رویکرد ساخت‌بنیاد رویکردی است که دانش زبانی سخنگویان را دانش «ساخت» های زبان به شمار می‌آورد و واحد مطالعه زبان را ساخت می‌داند. نزدیک به سه دهه از پیدایش رویکرد ساخت‌بنیاد به زبان می‌گذرد و چندین نسخه و گونه متفاوت از دستورهای مبتنی بر ساخت ارائه گردیده که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان دستور ساخت برکلی<sup>۱</sup> (فیلمور<sup>۲</sup>، ۱۹۸۸، فیلمور و کی<sup>۳</sup>، ۱۹۹۳) دستور ساخت (گلدبرگ<sup>۴</sup>، ۱۹۹۵) و دستور ساخت بنیادی<sup>۵</sup> (کرافت<sup>۶</sup>، ۲۰۰۱) را نام برد. با این وجود، تاکنون دامنه پژوهش‌ها در رویکرد ساخت‌بنیاد بیشتر به نحو و معناشناسی و پیوند

1. Berkeley Construction Grammar (BCG)
2. Fillmore, Ch.
3. Kay, P.
4. Goldberg, A.
5. Radical Construction Grammar
6. Croft, W.

میان این دو محدود بوده است. به سخن دیگر، گرچه رویکرد ساخت‌بنیاد تفاوتی میان تکواژها و واژه‌ها از یک سو و گروه‌ها، بندها و جمله‌ها از سوی دیگر قائل نیست و همگی آنها را جفت‌های صورت-معنا می‌داند که میزان پیچیدگی متفاوت دارند، اما تاکنون بیشترین توجه خود را معطوف ساخت‌های سطح گروه، بند و جمله کرده و چندان به تکواژها و واژه‌ها نپرداخته است. خیرت بوی<sup>۱</sup> با انتشار کتاب صرف ساخت (۲۰۱۰) رویکرد ساخت‌بنیاد را به حوزه صرف کشانده و دامنه پوشش این رویکرد را گسترش چشمگیری بخشیده است (بامشادی، ۱۳۹۶: ۴).



شکل ۱. ساخت در رویکرد صرف ساخت

(برگرفته از کرافت، ۲۰۰۱: ۱۸)

در صرف ساخت هر واژه نشانه‌ای زبانی و حاصل جفت‌شدگی<sup>۲</sup> صورت و معنا است. جفت‌شدگی صورت و معنا به این مسئله اشاره می‌کند که در هر نشانه زبانی یک توالی آوایی به صورت قراردادی به معنایی خاص مرتبط شده است. همچنین، صورت یک واژه، خود شامل دو بعد واجی و واژ-نحوی<sup>۳</sup> است و معنای آن می‌تواند ابعاد معناشناختی و کاربردشناختی را شامل شود. تمامی این اطلاعات و ویژگی‌های یک نشانه زبانی که ساختی صرفی محسوب می‌شود که در نمودار بالا نشان داده شد: رویکرد صرف ساخت ریشه در دستور ساخت (گلدبرگ، ۱۹۹۵) دارد. رویکرد اخیر مفاهیم و اصول بنیادین دستور ساخت را از عرصه نحو وارد عرصه صرف کرده و از آن در توصیف و تبیین

1. Booij, G.  
2. pairing  
3. morpho-syntactic

ساختارهای صرفی بهره می‌گیرد. گلدبرگ (۲۰۰۳، ۴-۱) در مقاله‌ای کوتاه اما جامع با عنوان «ساخت‌ها: یک رویکرد نظری جدید به زبان»<sup>۱</sup> تلاش می‌کند تا به ساده‌ترین زبان مفهوم ساخت را توضیح دهد. او می‌نویسد: «ساخت‌ها جفت‌های صورت و معنا هستند. در رویکردهای ساختی تمام واقعیات دربارهٔ زبان، هدف مطالعه است بدون فرض زیرمجموعه‌ای از داده‌ها به‌عنوان بخشی از یک «هستهٔ شاخص»<sup>۲</sup>.

دو ساخت در زبان‌های مختلف می‌توانند به‌عنوان نمونه‌ای از ساخت یکسان تلقی شوند اگر و تنها اگر صورت و معنای آنها یکسان<sup>۳</sup> باشد. آنچه به‌عنوان ساخت یکسان در زبان‌های غیرمرتبط در نظر گرفته می‌شود، نوع<sup>۴</sup> مختلف ساخت‌ها است. آنچه یک نظریه را می‌سازد طوری که به ساخت‌ها اجازه می‌دهد یک نظریهٔ «ساخت‌بنیاد» باشد این ایده است که شبکهٔ ساخت‌ها تمام دانش زبانی ما را دربرمی‌گیرد- به عبارت دیگر همهٔ آنها ساخت هستند. بوی (۲۰۱۰، ۶-۱) می‌نویسد: «هدف دستور ساخت علاوه بر درک بهتر ارتباط بین صرف، نحو و واژگان، فراهم کردن چارچوبی است که بتواند تفاوت‌ها و شباهت‌های ساخت‌های سطح واژه و سطح عبارت را بررسی کند. سودمندی مفهوم «ساخت» این است که می‌تواند هم در سطح جمله و هم در سطح واژه به کار رود. او اشاره می‌کند که صرف ساخت رویکردی واژه‌بنیاد<sup>۵</sup> به صرف است و واژه‌ها سنگ بنای تحلیل این رویکرد هستند».

### ۳-۱. واژگان، طرح‌واره<sup>۶</sup> و زیرطرح‌واره<sup>۷</sup> در صرف ساخت

یکی از مفاهیمی که رویکرد صرف ساخت به آن می‌پردازد واژگان است که دارای ساختاری بسیار نظام‌مند و سلسله‌مراتبی است. واژگان انباره‌ای است از تمام واژه‌های ساده، واژه‌های غیرساده<sup>۸</sup> با معنای قراردادی یا غیرمتعارف<sup>۹</sup> و واحدهای چندواژه‌ای. «غیرمتعارف بودن» برای یک ساخت زبانی یعنی آن ساخت ویژگی‌هایی غیرقابل پیش‌بینی دارد که باید توسط گویشور فراگرفته شود و به ذهن سپرده شود.

1. Constructions: a new theoretical approach to language
2. core
3. identical
4. type
5. word-based
6. lexicon
7. schema
8. subschema
9. complex
10. idiosyncratic

عبارت‌های چندواژه‌ای مجموعه‌ای از جمله‌های ثابت متشکل از واژه‌ها با معنای بنیادین نیستند بلکه آنها در درجه ترکیب‌پذیری و انعطاف‌پذیری نحوی متفاوتند. مسئله دیگر آنکه واژه‌ها در واژگان جزیره‌های مجزا نیستند و در شبکه‌ای از روابط با هم ارتباط دارند.

از بین رویکردهای بررسی الگوهای ساخت‌واژه، در این پژوهش توجه ما به رویکرد طرح‌واره‌بنیاد معطوف است. تلاش‌های رویکردهای طرح‌واره‌بنیاد دست‌یابی به تعمیم‌ها است، نه تعمیم‌هایی در سطح قواعد، بلکه تعمیم‌هایی در سطح طرح‌واره ساختی. در حالی که قواعد رویه‌هایی متغیرند، طرح‌واره‌ها عناصری واحد مانند<sup>۱</sup> هستند که شامل شکاف‌های<sup>۲</sup> متنوع‌اند. به این ترتیب، طرح‌واره‌ها برای زیایی، تحلیل‌پذیری و همچنین خلاقیت در ساخت‌واژه در نظر گرفته شده‌اند. طرح‌واره‌ها به وسیله روابط صوری و سلسله‌مراتبی معنایی به هم مرتبط شده‌اند؛ شبکه چندبعدی از طرح‌واره‌ها و زیرطرح‌واره‌ها که در سطوح مختلف مشخص‌بودگی<sup>۳</sup> مرتب شده‌اند. طرح‌واره‌های در سطوح پایین‌تر اطلاعات را از طرح‌واره‌های فراشمول<sup>۴</sup> به ارث می‌برند. در مقایسه با رویکردهای قاعده‌بنیاد، انگاره‌های طرح‌واره‌بنیاد بر یک برداشت کل‌نگرانه<sup>۵</sup> و غیرحوزه‌ای<sup>۶</sup> از دانش زبانی صحنه می‌گذارند، در حالی که رویکردهای قاعده‌بنیاد مرز محکمی را بین دستور و کاربرد حفظ می‌کنند، انگاره‌های طرح‌واره‌بنیاد با رویکردهای کاربردبنیاد<sup>۷</sup> سازگار هستند و فرض می‌کنند که دانش زبانی از تجربه رویدادهای واقعی کاربردی در موقعیت‌های اجتماعی پدیدار می‌شود (بوی، ۲۰۱۵: ۶۹).

در این رویکرد مجموعه‌ای از داده‌ها بر اساس طرح‌واره‌های انتزاعی فراگرفته می‌شوند. این فرایند که واژه‌های جدید بر اساس طرح‌واره‌ها ساخته می‌شوند و نه قیاس، یکسانی<sup>۸</sup> نام دارد. چون این طرح‌واره‌ها به ارتباط بین واژه‌ها وابسته‌اند، این رویکرد «انگاره شبکه‌ای»<sup>۹</sup> نام دارد و «شبکه»، مفهومی مهم در مفهوم‌سازی مجموعه ارتباط

1. unit-like
2. slot
3. specificity
4. superordinate
5. holistic
6. non-modular
7. usage-based
8. unification
9. network model



بین واژه‌ها در واژگان است. این نگاه، همچنین، به «رویکرد انتزاعی»<sup>۱</sup> نیز شهرت دارد، زیرا ابداع<sup>۲</sup> واژه‌های جدید به انتزاع‌های بین مجموعه واژه‌های موجود و صورت‌واژه‌ها در واژگان یک زبان بستگی دارد (بوی، ۲۰۱۰: ۱۲-۵).

در انگاره صرف ساخت واژه‌های غیرساده می‌توانند به‌مثابه ساخت‌هایی در سطح واژه تلقی شوند که ساخت‌های صرفی را نمونه‌سازی<sup>۳</sup> می‌کنند. این ساخت‌ها به وسیله طرح‌واره‌هایی که تناظرهای نظام‌مند صورت-معنی را نشان می‌دهند، مشخص می‌شوند. طرح‌واره‌های ساختی بخشی از واژگان سلسله‌مراتبی را می‌سازند؛ با سطوح متفاوتی از انتزاع و واژه‌های غیرساده مجزا در پایین‌ترین سطح انتزاع. این مفهوم از صرف ما را قادر می‌سازد تا به تعمیم‌هایی درباره زیرمجموعه‌های واژه غیرساده برسیم و ویژگی‌های کل‌گرایانه ساخت‌های صرفی را مشخص کنیم (بوی، ۲۰۱۳: ۲۷۴). به عنوان مثال، دو گروه واژه‌های زیر را در نظر بگیرید:

الف	ب
ادب	بی‌ادب
سواد	بی‌سواد
حوصله	بی‌حوصله

با مقایسه واژه‌های ستون الف با واژه‌های ستون ب مشخص می‌شود که واژه‌های گروه دوم دارای یک صورت زبانی واحد و اضافی بر واژه‌های گروه الف هستند. نکته مهم آنکه این تغییر در صورت، در بین تمام اعضای گروه، همراه است با تغییر معینی در معنی. به طور مشخص واژه‌های گروه ب همگی از معنی «فقدان معنی واژه‌های گروه الف» برخوردارند. بر این اساس واژه‌های «بی‌ادب»، «بی‌سواد» و «بی‌حوصله» به ترتیب دارای معنی «کسی که ادب ندارد»، «کسی که سواد ندارد» و «کسی که حوصله ندارد» هستند. حال، با توجه به رابطه نظام‌مند موجود بین حضور صورت زبانی «بی-» و معنی «فقدان»، می‌توان واژه‌های گروه ب را واژه‌های غیرساده در نظر گرفت و ساختار صرفی آنها را در قالب ساخت زیر به دست داد:

$$1) [bi-[x]_N]_A$$

1. abstractive
2. coinage
3. instantiate

نکته مهم در تعیین این ساخت تکرارپذیر بودن رابطه صورت «بی-» و معنی «فقدان» در میان گروهی از واژه‌ها است. این امر باعث شکل‌گیری نوعی رابطه جانشینی بین دو ساختار صرفی می‌شود. حال اگر طرح‌واره شماره (۱) را صورت در نظر بگیریم و بخواهیم متناظر معنایی آن را نیز نشان دهیم، آنچه حاصل می‌شود طرح‌واره ساختی نام می‌گیرد:

$$2) \langle [bi[x]_{Ni}]_{Aj} \leftrightarrow [without SEM_i]_j \rangle$$

طرح‌واره (۲) بیانگر نوعی تعمیم در صورت و معنی صفات دارای پیشوند «بی» در واژگان زبان فارسی است و می‌تواند مبنای ساخت صفات جدیدی واقع شود. در این طرح‌واره، پیکان دوسر نشان‌دهنده همبستگی دوسویه صورت و معناست. هم‌نمایه‌سازی برای نمایش رابطه نظام‌مند میان صورت و معنا به کار می‌رود؛  $SEM_i$  اشاره به معنای اسم  $N_i$  دارد و نمایه  $Z$  بیانگر آن است که معنای همه ساخت با صورت کلی آن دارای پیوند است. متغیر  $X$  نیز نشانگر یک شکاف است که می‌تواند با عناصری از مقوله اسم پر شود. هنگامی که این شکاف، برای نمونه، با اسم «خرد» پر شود، واژه «بی‌خرد» به دست می‌آید و می‌گوییم این واژه یک نمون‌یافتگی از طرح‌واره مورد نظر است. بوی (۲۰۱۳: ۲۵۷) به بررسی فرایند ترکیب که یکی از زیاترین فرایندهای واژه‌سازی در زبان انگلیسی است، می‌پردازد و طرح‌واره کلی زیر را برای این فرایند به دست می‌دهد:

$$3) \langle [X_i Y_j]_{Yk} \leftrightarrow SEM_{Yj} \text{ with relation } R \text{ to } SEM_{xi}]_k \rangle$$

در این بازنمایی،  $Y$  هسته ترکیب است. این طرح‌واره بر طرح‌واره‌های گوناگونی اشراف<sup>۱</sup> دارد. برای مثال این طرح‌واره می‌تواند دارای زیرطرح‌واره‌های گوناگونی برای ترکیب‌های  $NN$  (همچون windmill)،  $NV$  (همچون head-hunt)،  $AN$  (همچون highlight) و مانند آن باشد که برخی از آنها زیاتر از بقیه هستند؛ بنابراین زیرطرح‌واره‌ها در میزان گسترش‌پذیری<sup>۲</sup> با هم متفاوتند. همان‌طور که اشاره شد هر واژه غیرساده، نمون‌یافته یک طرح‌واره واژه‌سازی است که خود آن طرح‌واره می‌تواند وابسته به طرح‌واره کلی‌تری باشد؛ مانند «مدادتراش» که به صورت پایگانی از زیرطرح‌واره‌هایی حاصل می‌شود که سرانجام به طرح‌واره کلی ترکیب در زبان فارسی ختم می‌گردد:

1. dominate
2. extensibility

$$\begin{array}{c}
 [[a]_X [b]_Y]_Z \\
 | \\
 [[a]_X [b]_V]_Z \\
 | \\
 [[a]_N [b]_V]_N \\
 | \\
 [[a]_N [\text{تراش}]_V]_N \\
 | \\
 [[\text{مداد}]_N [\text{تراش}]_V]_N
 \end{array}$$

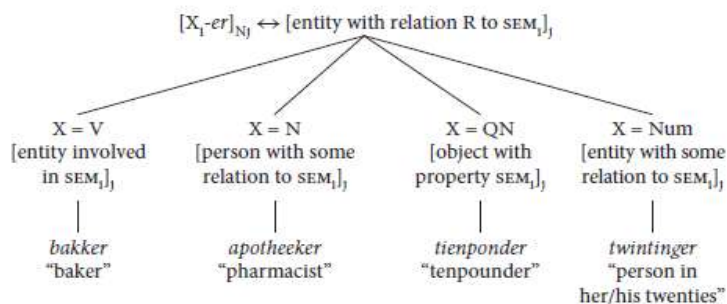
در بالاترین سطح، دو عنصر a و b که به ترتیب از مقوله X و Y هستند با هم ترکیب شده و واژه‌ای با مقوله Z به دست می‌آید. در سطح پایین‌تر، مقوله عنصر b مشخص می‌شود که فعل (V) است. در سطح سوم، مقوله عنصر a نیز مشخص می‌شود که اسم (N) است. در دو سطح پایینی، مابه‌ازای واژگانی متغیرهای b و a به ترتیب مشخص می‌گردند و به جای آنها «مداد» و «تراش» قرار می‌گیرد. به این ترتیب، هرچه از بالای نمودار به سطح پایین بیاییم، از میزان طرح‌وارگی کاسته شده و بر میزان مشخص‌بودگی افزوده می‌شود.

### ۳-۲. چندمعنایی در صرف ساخت

بوی (۲۰۱۰: ۷۹-۷۸) برای تحلیل الگوهای صرفی که در محصولات آنها چندمعنایی نظام‌مند مشاهده می‌شود دو انتخاب معرفی می‌کند که لزوماً متناقض یکدیگر نیستند: تک‌معنایی<sup>۱</sup> و چندمعنایی<sup>۲</sup>. در رویکرد تک‌معنایی یک معنای بسیار کلی و مبهم (۳) را به یک الگوی صرفی خاصی نسبت می‌دهیم. این رویکرد اولین قدم معقول در تحلیل ترکیب‌هایی است که روابط معنایی بسیار گوناگونی در بین سازه‌هایشان دیده می‌شود؛ به عبارت دیگر، در این رویکرد فرض بر آن است که این ماهیت چندمنظوره ساخت است که باعث می‌شود واژه‌های حاصل از آن بتوانند در چندین زیرمجموعه معنایی قرار بگیرند. با وجود این، رویکرد تک‌معنایی نمی‌تواند حق مطلب را درباره همه این تفسیرها بیان کند. بوی (۲۰۱۰: ۸۴) چندمعنایی پسوند -er در زبان هلندی را بررسی کرده و طرح‌واره‌ها و زیر طرح‌واره‌های تعمیم‌یافته از اسم‌های مشتق دارای این پسوند را در قالب شکل ۲ نشان داده است. او استدلال می‌کند تفسیرهای شیء، رخداده و سبب‌ساز<sup>۳</sup> را نمی‌توان از این ویژگی کلی «اسم فاعل» مشتق کرد؛ بنابراین، ما نیاز به یک رویکرد

1. monosemy
2. polysemy
3. causer

«چندمعنایی قاعده‌مند»<sup>۱</sup> داریم که در آن معنای پیش‌نمونه یا سرنمون نقطه شروع برای اشتقاق دیگر معانی از طریق فرایندهای گسترش معنایی استعاره و مجاز است. در حقیقت، در رویکرد چندمعنایی یکی از معانی چندگانه ساخت صرفی به عنوان معنای آغازین و سرنمونی آن ساخت محسوب می‌شود، همین معنا نقطه آغاز در نظر گرفته می‌شود تا دیگر معانی از طریق بسط مفهومی از آن حاصل شوند؛ بنابراین، بر اساس صرف ساخت یک مقوله مفهومی می‌تواند دچار نوعی چندشاخه‌شدگی شود که در آن هریک از انشعابات به نحوی با مفهوم سرنمون مرتبط هستند. نمودار زیر به روشنی نشان می‌دهد که چندمعنایی در واژگان ذهنی گویشوران به صورت یک معنای فراگیر که همه معنای ویژه (زیر طرح‌واره‌ها) را دربر گرفته است، نهادینه می‌شود.



شکل ۲. چندمعنایی پسوند -er در زبان هلندی (برگرفته از بوی، ۲۰۱۰: ۸۴)

با این مقدمه از سازوکار انگاره صرف ساخت، حال به بررسی و تحلیل داده‌های زبان فارسی می‌پردازیم که در آنها پسوند «ار» در ساخت واژه دخیل است.

#### ۴- ارائه و تحلیل داده‌ها

##### ۴-۱. ارائه داده‌ها

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، داده‌های پژوهش حاضر واژه‌های مشتق مختوم به پسوند «ار» است که از سه منبع فرهنگ *زاسو* (کشانی، ۱۳۸۱)، پایگاه داده‌های زبان فارسی (PLDB) و فارس‌نت استخراج شده‌اند. به این صورت که تمام واژه‌های مختوم به پسوند «ار» در این سه منبع جستجو شدند، سپس واژه‌های مستخرج در فرهنگ بزرگ سخن (انوری، ۱۳۸۱) مورد بررسی قرار گرفتند و مواردی که با برجسب منسوخ مشخص شده بودند، کنار گذاشته شدند. برای بررسی هرچه بیشتر و دقیق‌تر واژه‌های

1. regular polysemy

ساخت اشتقاقی [x-ار]، از جستجوگر گوگل نیز بهره بردیم تا واژه‌های جدید ساخت مذکور مورد غفلت قرار نگیرند. سپس، برای هر واژه مثال یا مثال‌هایی از پیکره‌های مختلف انتخاب شد تا معنا و نقش هر یک در کاربرد واقعی زبان نیز بهتر مشخص شود. در مجموع ۲۵ داده به عنوان داده‌های پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفتند که به ترتیب حروف الفبا شامل واژه‌های زیر هستند:

۱- ایستار	۲- بافتار	۳- برخوردار	۴- بُردار	۵- پدیدار
۶- پرستار	۷- پیوستار	۸- جُستار	۹- خریدار	۱۰- خواستار
۱۱- خواندار	۱۲- دیدار	۱۳- رفتار	۱۴- ساختار	۱۵- شنیدار
۱۶- کردار	۱۷- کشتار	۱۸- گرفتار	۱۹- گشتار	۲۰- گفتار
۲۱- مُردار	۲۲- نمودار	۲۳- نوشتار	۲۴- ویراستار	۲۵- هستار

همان‌طور که مشاهده می‌شود، در همهٔ این داده‌ها صورت (فعل/ صفت + پسوند اشتقاقی «ار») دیده می‌شود و به‌جز یک مورد (پرستار)، فعل دارای ستاک گذشته است. خواننده به خوبی می‌داند هر یک از این ۲۵ داده که همگی در ساختار خود پسوند اشتقاقی «ار» را دارند، معنایی متفاوتی نسبت به دیگری دارد؛ بنابراین، در این پژوهش قصد داریم اولاً انواع این معانی را به دست آوریم و ثانیاً ارتباط آنها و شبکهٔ معنایی آنها را بیابیم.

#### ۲-۴. تحلیل داده‌ها

همان‌طور که در بخش قبل اشاره شد، در این بخش با تکیه بر داده‌های استخراج‌شده، به بررسی عملکرد ساخت اشتقاقی [x-ار] می‌پردازیم. پس از بررسی این واژه‌ها مشخص شد که واژه‌های مختوم به وند اشتقاقی «ار» را می‌توان در هفت مقولهٔ معنایی قرار داد. با توجه به این تمایز معنایی، هفت طرح‌واره به دست آمد. در ادامه، به طرح‌واره‌های هر ساخت و داده‌های مربوط به هر طرح‌واره اشاره خواهد شد.

۲-۴-۱. معنای کنشگر<sup>۱</sup>: از مجموع ۲۵ دادهٔ این پژوهش داده‌های پرستار، خریدار، خواستار، گشتار، نمودار (۴) و ویراستار در این گروه طبقه‌بندی می‌شوند. همان‌طور که ملاحظه می‌کنید در همهٔ این داده‌ها معنای کنشگر نهفته است؛ بنابراین، می‌توان طرح-وارهٔ زیر را برای این داده‌ها به دست داد:

4) <[کسی/چیزی که X را انجام می‌دهد] ↔ [N<sub>j</sub>/-ār]\_{vi}[X]>

1. agent

۲-۲-۴. **معنای کنش‌پذیر:** از میان داده‌های بررسی‌شده واژه‌های گرفتار و مُردار (۵) دارای مفهوم کنش‌پذیر هستند؛ به عبارت دیگر، معنای این داده‌ها متأثر از کنش X است. طرح‌واره آن به صورت زیر قابل نمایش است:

5) <[[X]<sub>vi</sub>-ār]<sub>Aj</sub> ↔ [X]کنش‌پذیر کنش X>

۳-۲-۴. **معنای کنش<sup>۱</sup>:** داده‌های خواندار، دیدار، رفتار، شنیدار، کردار و کشتار بیانگر کنشی مرتبط با X هستند که در قالب طرح‌واره زیر نشان داده شده است:

6) <[[X]<sub>vi</sub>-ār]<sub>Nj</sub> ↔ [X]کنش مرتبط با X>

۴-۲-۴. **معنای ویژگی<sup>۲</sup>:** واژه پدیدار از میان داده‌های مورد بررسی بیانگر ویژگی مرتبط با مفهوم X هستند:

7) <[[X]<sub>vi</sub>-ār]<sub>Aj</sub> ↔ [X]ویژگی مرتبط با X>

۵-۲-۴. **معنای چیز<sup>۳</sup>:** از میان داده‌های این پژوهش ۱۱ داده نشانگر طرح‌واره چیزی هستند که با X مرتبطند. این داده‌ها عبارت‌اند از: ایستار، بافتار، بُردار، پیوستار، جُستار، ساختار، کُشتار، نوشتار، گفتار، نمودار (۶) و هستار. طرح‌واره زیر نمایانگر این داده‌هاست:

8) <[[X]<sub>vi</sub>-ār]<sub>Nj</sub> ↔ [X]چیز مرتبط با X>

توجه داشته باشید که در اینجا واژه‌های کشتار و نمودار تکراری هستند؛ کشتار علاوه بر معنای کنش و نمودار علاوه بر معنای کنشگر می‌توانند بیانگر چیز نیز باشند.

۶-۲-۴. **معنای شیوه<sup>۴</sup>**

از میان مجموعه داده‌های این پژوهش، پیوستار نشانگر مفهوم شیوه است. طرح‌واره زیر نشانگر این مفهوم است:

9) <[[X]<sub>vi</sub>-ār]<sub>Nj</sub> ↔ [X]شیوه مرتبط با X>

۷-۲-۴. **معنای بهره‌ور<sup>۵</sup>**

واژه برخوردار از میان داده‌های مورد بررسی بیانگر مفهوم بهره‌ور از مفهوم X است و طرح‌واره آن به صورت زیر است. این داده پیش از این در قالب طرح‌واره (۸) نیز آمده بود.

1. action
2. property
3. thing
4. manner
5. benefactive

<[بهره‌ور مرتبط با X] ↔ [X]<sub>Nj</sub>-ār> (10)

مسئله‌ای که پس از بررسی و طبقه‌بندی داده‌های دارای ساخت اشتقاقی [x-ار] مشاهده می‌شود، وجود تنوعات معنایی نظام‌مند در این واژه‌ها است. نظام‌مند نامیدن این تنوعات از آن روست که صرفاً متعلق به یک یا چند واژه نیستند، بلکه تمامی واژه‌های دارای این ساخت در این مقوله‌ها جای می‌گیرند و به نظر می‌رسد بتوان شکل‌گیری آنها را از هگذر برخی سازوکارهای شناختی توجیه نمود. در ادامه به این مسئله در چارچوب صرف ساخت (بوی، ۲۰۱۰) می‌پردازیم.

#### ۴-۳. تحلیل طرح‌واره‌های ساخت اشتقاقی [x-ار]

همان‌طور که در بخش (۲-۴) اشاره شد واژه‌های مختوم به وند اشتقاقی «ار» را می‌توان در هفت مقوله معنایی (کنشگر، کنش‌پذیر، کنش، ویژگی، چیز، شیوه، بهره‌ور) قرار داد. در ادامه به بررسی داده‌ها، به‌ویژه آن داده‌هایی که معنی آنها چالش‌برانگیز است، می‌پردازیم.

همه واژه‌های طرح‌واره (۴) کنشگر کنش X هستند. با وجود این که واژه‌های منسوخ از این پژوهش کنار گذاشته شده‌اند، اما تحلیل بعضی از واژه‌های این طرح‌واره‌ها، نیاز به بررسی در زمانی دارد. واژه «پرستار» تنها واژه‌ای است که در ساخت اشتقاقی [x-ار] با ستاک حال ساخته شده است. فرهنگ سخن (انوری، ۱۳۸۱) چهار معنی برای فعل «پرستیدن» و هشت معنی (۷) برای واژه «پرستار» ذکر کرده است که ما تنها معانی اصلی آن را آورده‌ایم. با توجه به این معانی چگونه می‌توان ارتباط بین این پایه و وند اشتقاقی «ار» را توجیه کرد؟ صادقی (۱۳۷۲: ۱۴) کوشیده است معنی واژه «پرستار» امروزی را به‌گونه‌ای به معنای قدیمی آن مرتبط سازد: «پرستار از فعل «پرستیدن» به معنی مواظبت کردن، تیمار داشتن [گرفته‌شده] و چنان‌که دیده می‌شود، پسوند به بن مضارع ملحق شده است». در این مورد مرادی (۱۳۸۶: ۹۵-۹۴) بر این باور است که واژه پرستار به‌گونه‌ای با واژه parasten (محافظة کردن، دفاع کردن) در زبان کردی ارتباط دارد. ستاک گذشته این فعل در زبان کردی parast- است. با توجه به معنای رایج «پرستار» و استثنا بودن آن از لحاظ نوع پایه می‌توان گفت پسوند -ار به ستاک گذشته فعل parasten ملحق شده است و به معنی واقعی واژه «پرستار» - کسی که از کسی یا کسانی محافظت می‌کند- دست یافت. iRæwa-parasten در زبان کردی یکی از ترکیب‌های رایج این واژه است که معادل آن در فارسی، «دفاع مشروع» است. این نشان

می‌دهد که زبان کردی ویژگی ایرانی بودن خود را در استفاده از واژه‌های بومی بسیار خوب حفظ کرده است.

«گشتار» از برابر نهادهای مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی در حوزه زبان‌شناسی برای واژه transformation است و اشاره به قاعده‌ای نحوی دارد که یک ساخت انتزاعی را به ساخت انتزاعی دیگر تغییر می‌دهد. از همین روست که نقش معنایی کنشگر را به آن اختصاص داده‌ایم.

طرح‌واره ۵ نشانگر کنش‌پذیر کنش X است و دو داده را دربرمی‌گیرد. در این داده‌ها گویی عمل فعل بر آنها واقع می‌شود. در مثال‌های (۱) و (۲) معنای کنش‌پذیر به ترتیب از واژه‌های گرفتار و مردار به دست می‌آید:

(۱) اگر پارسال در زندان گرفتار نبودم، زندگی‌ام غیر از این می‌شد.

(۲) مردار/ منبع غذایی مهمی برای گوشتخواران بزرگ‌جثه و همه‌چیزخواران است.

شش داده در طرح‌واره ۶ بیانگر کنشی مرتبط با X هستند. به نظر می‌رسد دو واژه رفتار و کردار در طرح‌واره ۶، از بحث‌برانگیزترین واژه‌های ساخت اشتقاقی [x-ار] هستند. صادقی در مقاله ارزشمند «تحول اسم فاعل به اسم مصدر (۱۳۸۰)» به بررسی آنها پرداخته است. او توضیح می‌دهد: «تغییر معنی اسم فاعل به اسم مصدر شگفت‌آور است، اما واقعیتی است که به هر حال اتفاق افتاده است. به نوشته محققان در نوشته‌های موجود پهلوی از این تغییر نقش اثری دیده نمی‌شود و ظاهراً این تحول در زبان فارسی یا به احتمال قوی‌تر در مرحله گذار از پهلوی به فارسی پیش آمده است». وی از قول آیلرس<sup>۱</sup> می‌افزاید: «گرایش تبدیل اسم معنی به اسم ذات و نه برعکس، گرایشی است که در همه زبان‌ها دیده می‌شود، اما در مورد فارسی، ما با عکس این گرایش یعنی تبدیل اسم ذات (اسم فاعل) به اسم مصدر روبه‌رو هستیم». صادقی در مورد دو واژه رفتار و کردار می‌نویسد: «در زبان فارسی ساختن اسم فاعل به این شکل دیگر روشی زنده نبوده و این شیوه تقریباً کاملاً مرده است، چنان که کلمات خریدار، خواستار، بردار (در باربردار و فرمانبردار)، خوردار (در برخوردار)، دادار، فروختار، پرستار و فروشار تنها به عنوان میراثی از گذشته زبانی فارسی در این زبان باقی مانده‌اند. در زبان فارسی به جای این پسوند از پسوند «-نده (-anda/e)» استفاده می‌شود. ظاهراً کلماتی مانند کردار، رفتار، کشتار و غیره در دوره‌ای از زبان فارسی دیگر به عنوان اسم فاعل متروک شده

1. Eilers, W.



بوده‌اند، ولی اسم مصدر آنها به صورت کرداریه، رفتاریه و کشتاریه یا به صورت تحول یافته آن یعنی کرداری، رفتاری و کشتاری رایج بوده است. زبان فارسی بر اساس گرایش حذف پسوند «ی» (ی مصدری و غیر آن)، به تدریج از این کلمات پسوند «ی» را حذف کرده و صورت بدون پسوند را به عنوان اسم مصدر به کار برده است. با توجه به توضیحات صادقی به نظر می‌رسد دو واژه رفتار و کردار که در فرهنگ‌ها به‌عنوان مترادف هم ذکر شده‌اند، امروز از معنای قدیم خود فاصله گرفته‌اند و در حقیقت از مفهوم کنشگر (طرح‌واره ۴) به مفهوم کنش (طرح‌واره ۶) بسط پیدا کرده‌اند. با توجه به معنی واژه رفتار (۸)، به نظر می‌رسد در طول زمان این واژه بسط معنایی پیدا کرده و امروزه برای مجموعه وسیعی از مفاهیم به کار می‌رود. یک نمونه از کاربرد واژه رفتار با معنی عامل در زمان حاضر، شعر شفيعی کدکنی (۱۳۸۵:۲۰۷) در آهوی هزاره دوم کوهی است: «در کنار جوی من نشسته آب در رفتار...». البته با توجه به کارکرد ادبی زبان در شعر، معنای عامل که در گذشته کاربرد داشته پذیرفته است.

دیدار واژه دیگری است که در طرح‌واره ۶ مشاهده می‌شود. در زبان پهلوی واژه دیدار به معنی «بینایی، دیدار و مرئی» است (بهار، ۱۳۵۱: ۱۵۲). این صورت احتمالاً با حذف پسوند -ih از کلمه دیداریه که در پهلوی به معنی «تماشا و دیدار» است گرفته شده است. کلمه دیداریه نیز در پهلوی در معنی «قابل رؤیت» به کار می‌رفته است که در واقع از دیدار به معنی رؤیت گرفته شده و ظاهراً همین کلمه است که با حذف پسوند به دیدار به معنی «مرئی و آشکار» بدل شده است (صادقی، ۱۳۸۰: ۶)؛ اما در زبان فارسی امروز دیدار در معنای «دیدن یکدیگر، ملاقات، دیدن یا مشاهده کسی یا جایی» به کار می‌رود؛ بنابراین، به نظر می‌رسد این واژه نیز به مفهوم کنش (طرح‌واره ۶) بسط پیدا کرده است.

واژه خواندار علاوه بر معنای گذشته خود (۹) که منسوخ شده، در حال حاضر، در معنای «خواندن» به کار می‌رود. واژه شنیدار نیز در معنای «عمل شنیدن، سمع» به کار می‌رود. شاهد زیر از جستجوگر گوگل استخراج شده است:

(۳) این آزمون بر اساس تشخیص چهار مهارت شنیدار، گفتار، خواندار و نوشتار طراحی شده است (۱۰).

در توضیح تنها داده طرح‌واره ۷ باید گفت که با مراجعه به فرهنگ بزرگ سخن مشاهده می‌کنیم در زبان فارسی امروز پدید در معنای صفتی (آشکار، ظاهر، نمایان،

روشن) به کار می‌رود. در حال حاضر، همین معانی برای واژه پدیدار نیز کاربرد دارند. در مثال زیر این مفهوم به خوبی نمایان است:

(۴) آثار حیاتی در وجود او پدیدار نیست.

بیشترین داده‌های ساخت اشتقاقی [r-x] در طرح‌واره ۸، چیز (۱۱) مرتبط با X، دیده می‌شود. با توجه به بررسی نگارندگان، ساخت واژه‌های جدید بر اساس این طرح‌واره نسبت به سایر طرح‌واره‌ها بیشتر است؛ مانند واژه *بافتار* (۱۲) که از برابرنهادهای مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی برای واژه context است. واژه *ایستار* در فرهنگ سخن به معنی «دیدگاه» آمده است. از میان فرهنگ‌ها، معنی این واژه تنها در فرهنگ سخن ذکر شده و در فرهنگ دهخدا به معنی «رب‌النوع جنگ و عشق» آمده است. هر چند در واژه‌نامه‌های آزاد معنی «توقف» را هم برای آن ذکر کرده‌اند. برای این واژه در جستجوگر گوگل چندین شاهد موجود است که از آن جمله می‌توان به جمله (۵) اشاره کرد:

(۵) فرهنگ سیاسی ایرانیان، رفتارها و ایستارها.

در توضیح واژه *بُردار*، صادقی (۱۳۸۰: ۴) می‌نویسد: «واژه بردار به معنی «برنده، تحمل‌کننده» با پسوند -ih به صورت بُرداریه به معنی «حوصله و تحمل» به کار رفته است». تا جایی که نگارندگان بررسی کرده‌اند، کاربرد این واژه در معنای کنشگر امروز از بین رفته و در معنای چیز مرتبط با مفهوم X رایج شده است.

*پیوستار* تنها داده طرح‌واره ۹، از برابرنهادهای فرهنگستان زبان و ادب فارسی برای واژه continuum است که اشاره به ماهیت پیوسته و بدون مرزبندی مشخص چیزی دارد. این واژه در فرهنگ سخن نیز با معنای «مجموعه به هم پیوسته و غیر قابل تفکیک و مرزبندی از هر چیز» آمده است؛ بنابراین، دو معنای چیز (طرح‌واره ۸) و شیوه (طرح‌واره ۹) از آن ایفاد می‌شود. شاهد زیر از پیکره وب به دست آمده است:

(۶) اکثر صاحب‌نظران زایایی را یک پیوستار می‌دانند.

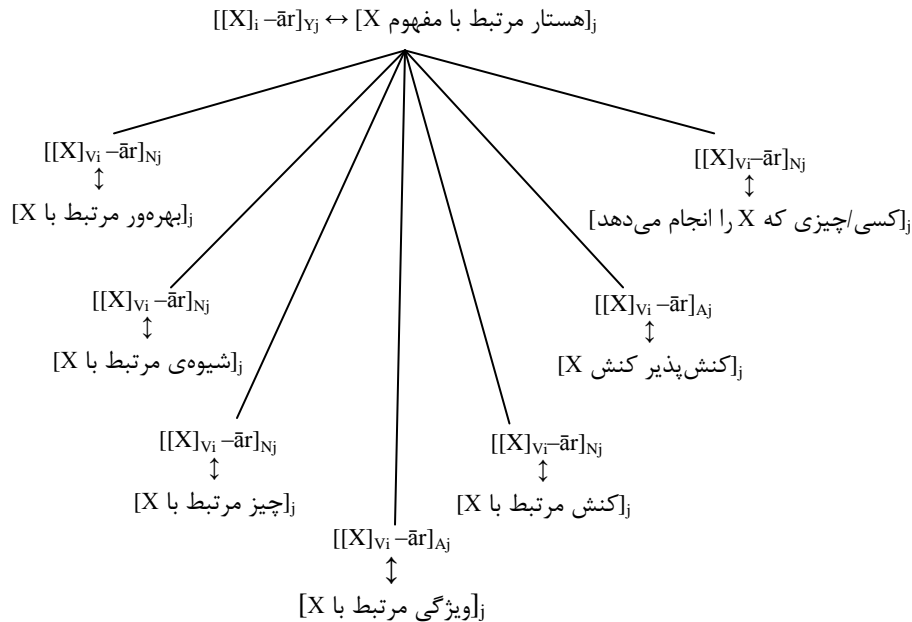
در طرح‌واره ۱۰، با مراجعه به فرهنگ لغت دهخدا و فرهنگ بزرگ سخن، مقابل واژه *برخورد* معانی «منتفع شدن، نفع‌یاب شدن، بهره بردن، سود بردن و...» یافت شد؛ بنابراین، مفهوم (بهره‌ور مرتبط با مفهوم X) در واژه *برخوردار* در طرح‌واره ۱۰ قابل تبیین است.

در پایان، ذکر این نکته لازم است که احتمالاً تنوع معنایی در برخی واژه‌های ساخت

[x-ار] حاصل واژگانی‌شدگی<sup>۱</sup> است. شقاقی (۱۳۹۴: ۱۷۶) دربارهٔ واژگانی‌شدگی می‌نویسد: «واژه‌هایی که در گذر زمان شفافیت خود را از دست داده، اجزایشان به هم درآمیخته و به واژه غیرقابل تجزیه تبدیل شده‌اند. ساختار درونی واژه‌های غیربسیط [غیرساده] در نتیجهٔ کاربرد زیاد و رواج بیشتر آنها برای گوینده و شنونده اهمیت خود را از دست می‌دهد و تشخیص ارتباط آنها با سایر واژه‌ها برای استفاده صحیح چندان ضروری نمی‌نماید. این قبیل واژه‌ها، مشخصه‌های غیرقابل‌پیش‌بینی کسب می‌کنند. واژه‌های غیربسیط با این فرایند به معنای ترکیب‌ناپذیر دست می‌یابند. واژهٔ واژگانی‌شده با قواعد رایج و زایا ساخته نمی‌شود». با این وصف، ظاهراً واژه‌های برخوردار، پدیدار، پرستار، رفتار و کردار واژگانی شده‌اند و برای گویشور امروز زبان فارسی ساخت [x-ار] در این واژه‌ها چندان روشن نیست؛ به عبارت دیگر، گویشور این واژه‌ها را به‌عنوان یک واژهٔ ساده در نظر می‌گیرد.

#### ۴-۴. تبیین چندمعنایی طرح‌واره‌های ساخت اشتقاقی [x-ار]

تا اینجا کارکردها و معانی گوناگون پسوند اشتقاقی «ار» را دسته‌بندی و بررسی کردیم. اکنون پیوند میان این معانی را در قالب شبکه‌ای سامان‌مند و پایگانی از طرح‌واره‌ها و زیرطرح‌واره‌های ساختی نشان می‌دهیم و چندمعنایی آن را تبیین می‌کنیم. همان‌طور که در بخش (۳-۱) دربارهٔ طرح‌واره و زیرطرح‌واره‌ها بیان کردیم، طرح‌واره‌ها به‌وسیلهٔ روابط صوری و سلسله‌مراتبی معنایی به هم مرتبط شده‌اند؛ شبکهٔ چندبعدی از طرح‌واره‌ها و زیرطرح‌واره‌ها که در سطوح مختلف مشخص‌بودگی مرتب شده‌اند. طرح‌واره‌ها در سطوح پایین‌تر اطلاعات را از طرح‌واره‌های فراشمول به ارث می‌برند. در پایین‌ترین سطح، زیرطرح‌واره‌ها قرار دارند که شامل واژه‌های عینی و ملموس زبان که نمونه‌های آنها در طبقه‌بندی‌های بالا آوردیم، هستند. اکنون می‌خواهیم بدانیم که پیوند میان خود این زیرطرح‌واره‌ها چگونه است و آنها تجلی کدام طرح‌وارهٔ سطح بالاتر هستند. با توجه به داده‌های بررسی‌شده به نظر می‌رسد ساخت [x-ار] در زبان فارسی دارای چندین زیرطرح‌واره است و ساختی چندمعنا محسوب می‌شود. حال می‌کوشیم به طرح‌واره‌ای که ماهیتی انتزاعی‌تر و کلی‌تر در ذهن گویشوران زبان فارسی دارد دست پیدا کنیم.



شکل ۳. طرح‌واره‌ی ساخت اشتقاقی [ار-X] در

این هفت طرح‌واره را می‌توان ذیل یک طرح‌واره انتزاعی‌تر قرار داد که در آن با مفهوم هستار (۱۳) مرتبط با X روبرو هستیم؛ به عبارت دیگر طرح‌واره «هستار مرتبط با X» در بالاترین سطح انتزاع و کلیت قرار دارد، در حالی که طرح‌واره‌های مرتبه پایین‌تر (زیرطرح‌واره‌ها) ویژه‌تر، عینی‌تر و مشخص‌تر هستند. پیوستار طرح‌واره‌بودگی/ مشخص‌بودگی که در نظریه صرف ساخت مطرح است نیز در همین جا به خوبی نمایان است: طرح‌واره‌ها به صورت پایگانی از انتزاعی‌ترین و کلی‌ترین حالت تا عینی‌ترین و مشخص‌ترین حالت زیر یکدیگر قرار گرفته‌اند و هر طرح‌واره مرتبه پایین‌تر نمونه‌ی یافته یک طرح‌واره مرتبه بالاتر است. به این ترتیب طرح‌واره نهایی پیشنهادی برای ساخت اشتقاقی [ار-X] به صورت شکل ۳ آمده است.

#### ۵- نتیجه

پژوهش حاضر با هدف بررسی تنوعات معنایی نظام‌مند ساخت [ار-X] و همچنین تعیین طرح‌واره ساختی کلی و زیرطرح‌واره‌های آن در چارچوب صرف ساخت (بوی، ۲۰۱۰) به نگارش درآمد. برای نیل به این مهم، نگارندگان داده‌های جمع‌آوری شده را بر اساس نوع ارجاع‌شان به مقوله‌های معنایی شامل کنشگر، کنش‌پذیر، کنش، ویژگی،

چیز، شیوه و بهره‌ور طبقه‌بندی کردند. مسئله‌ای که پس از مقوله‌بندی معنایی واژه‌های حاصل از ساخت [x-ار] مشاهده شد، وجود تنوعات معنایی نظام‌مند در آنها است. در این راستا، برای توجیه این تنوعات معنایی نظام‌مند رویکرد چندمعنایی انتخاب شد. بر مبنای رویکرد چندمعنایی و در جستجوی معنای سرنمونی برای ساخت مذکور این‌گونه استدلال شد که «هستار مرتبط با مفهوم X» معنای سرنمون ساخت [x-ار] محسوب می‌شود. مفهوم مذکور به عنوان انتزاعی‌ترین همبستگی صورت و معنای ناظر بر عملکرد واژه‌های مشتق ساخت [x-ار] در زبان فارسی در نظر گرفته می‌شود و سایر معانی زیرطرح‌واره‌های این معنای سرنمون هستند.

### پی‌نوشت‌ها

۱. فارسی‌نت (وردنت عمومی زبان فارسی) پایگاه دانشی است که حاوی اطلاعات در مورد واژه‌ها و ترکیبات زبان (مفاهیم)، اطلاعات نحوی آنها و روابط معنایی میان آنها است. نسخه اول فارسی‌نت شامل بیش از ۱۷ هزار مدخل واژگانی از مقوله‌های اسم، فعل و صفت است. روابط تحت پوشش در این نسخه روابط درون‌مقوله‌ای مطرح در وردنت انگلیسی (نسخه ۲۰۱) است و قابلیت اتصال به وردنت‌های دیگر از طریق نگاشت به وردنت پریستون نسخه ۲۰۱۰ را نیز داراست (شمس‌فرد و همکاران، ۲۰۱۰).
۲. این کار به دلیل کاربرد بسیار کم و محدود این داده‌ها در زبان فارسی امروز است.
۳. معمولاً به آن *Gesamtbedeutung* «معنای کلی» می‌گویند، این واژه توسط رومن یاکوبسن ابداع شده است.
۴. نشان‌دهنده، معرفی‌کننده، آشکارا، نمایان، شاخص (صفت) / این شخص هرگز نمودار ایران و مظهر و نمونه خصایص ملت ما نبوده است (مثال از فرهنگ سخن).
۵. لاشه حیوان مرده که ذبح نشده باشد.
۶. نقشه، طرح، نقاشی (اسم) (فرهنگ سخن)
۷. پرستیدن: کسی یا چیزی را آفریننده یا منبع نیرویی فوق طبیعی دانستن و او (آن) را عبادت کردن، یا کسی یا چیزی را واسطه آفریننده و نیروی فوق طبیعی دانستن و از او (آن) حاجت خواستن. پرستار: آن که کارش مراقبت و مواظبت از بیماران است.
۸. کنش یا واکنش‌های انسان‌ها یا جانوران در پاسخ به محرک‌های داخلی یا خارجی (فرهنگ سخن)
۹. سفره‌دار (لغت‌نامه دهخدا)
۱۰. به نظر می‌رسد دو واژه «خواندار» و «شنیدار» در حال حاضر واژه‌های ممکن در زبان فارسی هستند؛ بسامد بسیار پایین (کم‌تر از ده) این دو داده در پیکره‌های مورد استفاده این پژوهش نیز شاهدهی بر این ادعا است؛ به عبارت دیگر این واژه‌ها هنوز نهادینه نشده‌اند.
۱۱. در زبان‌شناسی شناختی «چیز» اصطلاحی کاملاً تکنیکی است که ویژگی طرح‌وارگی دارد. چیزها هستارهایی هستند که موجودیتی خود ایستا و ثابت دارند. مابازای چیزهای دنیای خارج، مقوله دستوری اسم در زبان است. سرنمون مقوله اسم در زبان اجسام و چیزهای فیزیکی در جهان خارج است. مقوله دستوری اسم مقوله‌ای وسیع و کران‌گشاده است. این مقوله نه تنها به چیزهای فیزیکی اشاره دارد بلکه مفاهیم و رویدادهای انتزاعی مانند خشم، تنفر، محبت و شادی را نیز در بر می‌گیرد.

۱۲. وابسته به بافت، آنچه به جنس و لایه‌ها و عناصر یک ماده یا موضوع مربوط می‌شود، متناسب به ویژگی‌های نسبتاً ثابت و فراگیر یک شیء یا یک مفهوم انتزاعی. این واژه را معمولاً معادل با context به کار می‌برند و به معنای زمینه معنایی چیزی است؛ یعنی بستر و زمینه‌ای که هر پدیده در آن معنا می‌شود. مثلاً می‌گوییم: فلان چیز در این بافتار معنای دیگری دارد. واژه‌های «زیرمتن» و «زمینه» نیز به این معنا به کار می‌روند.  
(<https://www.parsi.wik>)

۱۳. هستار یک واژه عام است که به همه چیزهایی که در توصیف ساختار مفهومی (conceptual structure) انسان، ممکن است آن‌ها را تصور کرده یا به آن‌ها ارجاع دهیم، اطلاق می‌شود؛ مانند چیزها، رابطه‌ها، کمیت‌ها، حس‌ها، تغییرات، مکان‌ها، ابعاد و غیره (لنگر، ۲۰۱۳: ۹۸).

### منابع

- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۸۹). دستور تاریخی مختصر زبان فارسی، چاپ هشتم، تهران، سمت.  
انوری، حسن (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن. تهران، سخن.  
انوری، حسن و حسن احمدی گیوی (۱۳۷۸). دستور زبان فارسی ۱، تهران، فاطمی.  
بامشادی، پارسا و فریبا قطره (۱۳۹۶). «چندمعنایی پسوند «-ی» فارسی: کندوکاوی در چهارچوب ساختارده ساختی»، جستارهای زبانی، س ۸، ش ۷، پیاپی ۴۲، ویژه‌نامه زمستان، صص ۲۸۹-۲۶۵.  
بامشادی، پارسا و شادی انصاریان (۱۳۹۵). «رویکرد ساخت‌بنیاد به صرف و کاربرد آن در آموزش واژه‌های مشتق و مرکب فارسی برای فارسی‌آموزان». مجموعه مقالات نخستین همایش واکاوی منابع آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان، به کوشش مهین‌ناز میردهقان، ج ۲، صص ۱۰۲۰-۹۹۹.  
بهار، مهرداد (۱۳۵۱). واژه‌نامه گزیده‌های زادسپرم، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.  
خطیب‌رهبر، خلیل (۱۳۸۱). دستور زبان فارسی. چ ۱، تهران، مهتاب.  
خیام‌پور، عبدالرسول (۱۳۷۲). دستور زبان فارسی، تهران، کتاب‌فروشی تهران.  
رفیعی، عادل (۱۳۹۱). «مفهوم عامل در واژه‌های مشتق زبان فارسی». پژوهش‌های زبان‌شناسی، ۴(۷)، صص ۳۲-۱۹.  
سلطانی گرد فرامرزی، علی (۱۳۸۱). دستور زبان فارسی، تهران، مبتکران.  
شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۵). آیین‌های برای صداها، چ ۵، تهران، سخن.  
شقاقی، وبدا (۱۳۹۴). فرهنگ توصیفی صرف، چ ۱، تهران، علمی.  
صادقی، علی‌اشرف (۱۳۸۰). مسائل تاریخی زبان فارسی (مجموعه مقالات)، چ ۱، تهران، سخن.  
فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۴). دستور مفصل امروز، تهران، سخن.  
کشانی، خسرو (۱۳۷۲). فرهنگ زانسو، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.  
کلباسی، ایران (۱۳۹۱). ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز، چ ۵، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.  
مرادی، ابراهیم (۱۳۹۳). «بررسی ساختارهای چند واژه در زبان فارسی»، فصل‌نامه رشد آموزش زبان و ادب فارسی، س ۱۸، ش ۱۱۲، ۶۱-۵۸.

- مرادی، ابراهیم و غلامحسین کریمی‌دوستان (۱۳۹۰). «بررسی نقش معنایی پسوندهای نده و ار در زبان فارسی»، پژوهش‌های زبانی، ۲(۱)، صص ۱۰۱-۱۲۸.
- ناتل خانلری، پرویز و عفت مستشارنیا (۱۳۸۶). دستور تاریخی زبان فارسی، چ ۶، تهران، توس.
- وحیدیان کامیار، تقی و غلامرضا عمرانی (۱۳۸۶). دستور زبان فارسی (۱)، چ ۱۰، تهران، سمت.
- Abolghasmi, M., 2010. *A Short Historical Grammar of the Persian Language* (8<sup>th</sup> ed.). Tehran: SAMT [In Persian].
- Anvari, H., and Ahmadi Givi, H., 1999. *Persian Grammar 1*. Tehran: Fatemi. [In Persian].
- Anvari, H., 2002. *Farhang-e Bozorg-e Sokhan*. Tehran: Sokhan [In Persian].
- Bahar, M., 1972. *Glossary of Selections of Zadsparam*. Tehran: Bonyad-e Farhang-e Iran [In Persian].
- Bamshadi, P., and Ghatreh, F., 2018. "The Polysemy of Suffix "-i": An Exploration within the Construction Morphology". *Language Related Research*. 8 (7): 265-289 [In Persian].
- Bamshadi, P., and Ansarian, S., 2016. "A Construction-based Approach to Morphology and its Applications to the Teaching of Persian Derivational and Compound Words". *Proceedings of First International Conference on Investigating TPSOL Textbooks* (Vol. 2), 19-20 October 2016, Tehran: Shahid Beheshti University. pp. 999-1020 [In Persian].
- Booij, G., 2007. *The Grammar of Words: An Introduction to Morphology* (2<sup>nd</sup> ed.). Oxford: Oxford University Press.
- \_\_\_\_\_, 2003. "Constructions: a new theoretical approach to language". *Trends Cognitive Science*, 7 (5): 219-224.
- \_\_\_\_\_, 2010. *Construction Morphology*. Oxford: Oxford University Press.
- \_\_\_\_\_, 2013. "Morphology in Construction Grammar". In Thomas Hoffmann and Graeme Trousdale (eds.), *The Oxford Handbook of Construction Grammar* (pp. 255-274). Oxford: oxford University Press.
- \_\_\_\_\_, 2015. "Construction Morphology". In Andrew Hippisley and Gregory T. Stump (eds.), *The Cambridge Handbook of Morphology* (Chapter 17). Cambridge: Cambridge University Press.
- Croft, W., 2001. *Radical Construction Grammar: Syntactic Theory in Typological Perspective*. Oxford: Oxford University Press.
- Farshidvard, K., 2005. *Dastur-e Mofassal-e Emruz*. Tehran: Sokhan [In Persian].
- Fillmore, Charles J. (1988). "The Mechanisms of Construction Grammar". *BLS*, 14: 35-55.
- Fillmore, C, J., and Kay, P., 1993. *Construction Grammar Coursebook*. Berkeley: University of California.
- Goldberg, A., 1995. *Constructions: A Construction Grammar Approach to Argument Structure*. Chicago: University of Chicago Press.

- Kalbasi, I., 2012. *The Derivational Structure of Word in Modern Persian* (5<sup>th</sup> ed.). Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies [In Persian].
- Keshani, K., 1993. *Dictionnaire Inverse de la Langue Persane*. Tehran: Markaz-e Nashr-e dāneshgāhi [In Persian].
- Khatibrahbar, K., 2002. *Persian Grammar* (1<sup>st</sup> ed.). Tehran: Mahtab [In Persian].
- Khayyampour, A., 1993. *Persian Grammar*. Tehran: Ketabforushi-ye Tehran [In Persian].
- Langacker, R. W., 2013. *Essentials of Cognitive Grammar*. Oxford: Oxford University Press.
- Moradi, E., and Karimi-Doostan, G., 2011. "The Study of Semantic Contribution of -ār and -andeh Suffixes in Persian". *Language Research*, 2(1), 101-128 [In Persian].
- Moradi, E., 2014. "The Morphological Study of Some Words in Persian". *Faslname-ye Roshd-e Amoozesh-e Zaban va Adab-e Farsi*. 18(112).58-61 [In Persian].
- Natel-Khanlari, Parviz and Effat Mostasharniya(2007). *Historical Grammar of the Persian Language*. (6<sup>th</sup> ed.). Tehran: Toos [In Persian].
- Rafiei, A., 2012. "Agent Meaning in the Derived Words of Persian". *Researches in Linguistics*, 4(7), 19-32 [In Persian].
- Sadeghi, A. A., 2001. *Historical Problems of the Persian Language*. (1<sup>st</sup> ed.). Tehran: Sokhan [In Persian].
- Shafiei-Kadkani, M. R. 2006. *āyine-yi baraye sedaha [A Mirror for Sounds]*. (5<sup>th</sup> ed.). Tehran: Sokhan [In Persian].
- Shaghghi, V. 2015. *An Introduction to Morphology*. (1<sup>st</sup> ed.). Tehran: Elmi [In Persian].
- Shamsfard, M. et al. 2010. "Semi-Automatic Development of Farsnet; The Persian Wordnet". Proceedings of 5<sup>th</sup> Global WordNet Conference (GWA2010). Mumbai, India.
- Soltani, G., Ali. 2002. *Persian Grammar*. Tehran: Mobtakeran [In Persian].
- Vahidiyan, K., T. and Emrani G., 2007. *Persian Grammar 1*. (10<sup>th</sup> ed.). Tehran: SAMT [In Persian].
- <http://pldb.ihcs.ac.ir/>